

تحلیل رنگ در اشعار شاملو بر اساس نظریه ی ماکس لوشر

مرتضی محسنی *

غلامرضا پیروز **

مرضیه پورعلی ***

چکیده

عنصر رنگ، با زندگی ما رابطه ای تنگاتنگ دارد. این ارتباط به حدی است که حتی انسان ها در کلمات و جملات خود نیز، برای بیان احساسات درونی شان از رنگ استفاده می کنند. شاعران از جمله کسانی هستند که، بیشترین استفاده را از رنگ، برای بیان احساسات خویش در قالب زبان و تصاویر شعری می برند. احمد شاملو از شاعرانی است که از عنصر رنگ در سروده های خویش بهره ای آگاهانه جسته است. اشعار او سرشار از تصاویر رنگی مربوط به طبیعت، تصاویر اجتماعی و سیاسی و حوادث و امور حاکم بر جامعه است. در این مقاله رنگ در شعر های شاملو بر اساس هشت رنگ کارکردی ماکس لوشر بررسی و تحلیل شده و با احتساب فراوانی و تقسیم بندی به صورت زوج رنگ، سعی شده است تا به وضعیت روانی شاعر نقبی زده شود. نظریه ی روانشناسی رنگ ماکس لوشر یکی از معیار های سنجش شخصیت به شمار می آید و تأثیر روحی و جسمی را که رنگ می تواند بر یک شخص باقی گذارد، به ما می نمایاند. رنگ سیاه بالاترین بسامد را در اشعار شاملو داشته است. رنگ های منتخب بعدی او به ترتیب عبارتند از: قرمز، سبز، زرد، آبی، خاکستری، بنفش و قهوه ای. بر این اساس می توان گفت شاملو با چنین رویکردی به رنگ های هشت گانه، شخصیتی پر اضطراب و نگران دارد. او با رنگ سیاه اعتراض خود را اعلام می کند و در تلاش است تا سرنوشت را تغییر دهد؛ اما با انتخاب رنگ قرمز پس از رنگ سیاه علاقه به فعالیت و شوق و اشتیاق خود را برای رسیدن به هدف نشان می دهد و سعی در نابودی ظلم و تباهی دارد و در این راه بسیار فعال است. سپس با انتخاب رنگ های سبز و زرد از سوی شاعر، می توان تلاش او را برای بالا بردن موقعیت خود دید. در ادامه وی با انتخاب دو رنگ آبی و خاکستری نیازش را به آرامش نشان می دهد و این که به دلیل مشکلات مردم و جامعه، آن را در شرایط فعلی رفتاری نامناسب می داند و آن را طرد می کند، و در آخر با انتخاب رنگ های بنفش و قهوه ای، می توان ویژگی دیگر شاملو را که عبارت از طرد زندگی مرفه و بی دغدغه است، مشاهده کرد.

واژه های کلیدی: ماکس لوشر، روانشناسی رنگ، احمد شاملو، سیاه، جفت رنگ

*دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

**دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

***کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مازندران

مطالعه درباره ی رنگ ملاحظاتی را در زمینه های فیزیک، فیزیولوژی و روانشناسی پیش می آورد. علم فیزیک و شیمی، هر کدام بنا به ماهیت خود آن را می شکافند و جستجو می کنند؛ حال آن که روانشناسی در مسایل آگاهی و ذهنیت نسبت به رنگ، هم چون عنصری از تجربه ی بصری بحث می کند (رشیدی، ۱۳۸۴: ۱). جنبه ی روانشناسی رنگ، که بسیار نیز مورد توجه است، لایه های پنهان شخصیت کسانی را که با آن سروکار دارند، نمایان می کند. روانشناسی رنگ به کشف روابط بین عوامل رنگ و اثرات آن در انسان می پردازد (ایتن، ۱۳۸۴: ۳۷). رنگ از نظر روانشناسی، عکس العمل های مختلفی ایجاد می کند، که به عوامل متفاوتی از جمله: فرهنگ اجتماعی، سن، سلیقه ی شخصی و سبیل های تاریخی بستگی دارد (پوردیلمی، ۱۳۸۴: ۲). «اما به کار بردن رنگ ها در متون ادبی از این عوامل متأثر نیستند، بلکه از عوامل درونی و فضای روح و روان و ذهن بر زبان شاعر جاری می شوند؛ یعنی رنگ های شعری بازتاب انگیزه های درونی آن هاست و رنگ ها از ذهن شاعر گزارش می دهند» (پناهی، ۱۳۸۵: ۵۱).

احمد شاملو «الف - صبح، الف - بامداد» (۱۳۰۴ - ۱۳۷۹) برای نمایاندن دغدغه های روحی و فضای اجتماعی زمانه اش از رنگ های متفاوت یاری جسته است. زندگی شاملو همراه با فراز و نشیب های بسیاری بوده است و «با توجه به این که شرح حال کاملی از او در دست نیست شعر او خود زندگی اوست و از این شعر زیر و بم آهنگی را که افکار، عواطف و زندگی او و ما را نواخته است، می توانیم بشنویم» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۹۰-۹۱). شعر شاملو «محصول ناب عواطف و احساسات واقعی اوست» و رنگ در آن جلوه ای خاص دارد و همین رنگ است که به شاعر کمک کرده تا بتواند بخشی از اندیشه ها و مفاهیم مختلفی را که در ذهن دارد، زیبا و رسا بیان کند. او رنگ های گوناگونی را در جای جای مجموعه اشعارش، گاه در معنای حقیقی شان و آن جا که لازم دیده است در معنای غیر حقیقی و نمادین به کار برده است.

۲- چارچوب مفهومی

بررسی آثار ادبی براساس نظریه ی روانشناسی رنگ یکی از دیدگاه های جدید، برای شناخت آثار شاعران و نویسندگان است. این نظریه یکی از معیارهای سنجش شخصیت به شمار می آید و تأثیر روحی و جسمی را که رنگ می تواند بر یک شخص خاص باقی گذارد به ما می نمایاند. این موضوع با توجه به پیشرفت دو دانش فیزیولوژی

و روانشناسی به اثبات رسیده است. پس از آزمایش معروف «رورشاخ» در زمینه ی شناخت شخصیت انسان از طریق لکه های رنگین جوهر، آزمایش ماکس لوشر جدیدترین نظریه ای است که در این باره ارائه شده است. در این نظریه لوشر بیان می کند که یک رنگ به تنهایی بیان کننده ی شخصیت نیست، بلکه در انتخاب گروه ها و زوج های رنگ است که شخصیت افراد را می توان تا حدی باز شناخت. وی این نکته را یاد آور می شود که این نظریه جنبه ی روانشناسی و روانکاوی دارد و نباید آن را در ردیف آثار سرگرم کننده ی غیرعلمی به شمار آورد (لوشر، ۱۳۸۶: ۸). نظریه ی روانشناسی رنگ به اهمیت رنگ در شناخت شخصیت، از طریق آزمایش افراد می پردازد. کار ماکس لوشر بر روی رنگ ها روانشناسی کارکردی نامیده می شود؛ روانشناسی کارکردی به رابطه ی انتخاب رنگ با روانشناسی شخصیت اطلاق می شود.

در آزمایش رنگ لوشر اهمیت روانشناسی و فیزیولوژی یک رنگ ثابت است؛ و به عنوان «معنای واقعی» آن رنگ تعریف شده و برای همه ی افراد یکسان است. مثلاً رنگ آبی مایل به تیره به معنای «آرامش و سکوت» است؛ صرف نظر از این که فردی این رنگ

را دوست داشته و یا دوست نداشته باشد. از سوی دیگر «کارکرد» عبارت است از «تمایل ذهنی نسبت به رنگ» و همین است که درمورد اشخاص مختلف فرق می کند و تفسیرهای آزمایش لوشر بر این اساس استوار است (لوشر: ۳۱).

در این نظریه، شخص بر اساس هشت رنگ موجود در آزمایش، رنگ مورد علاقه ی خود را به ترتیب انتخاب می کند. این هشت رنگ عبارتند از چهار رنگ اصلی؛ آبی (۱)، سبز (۲)، قرمز (۳)، زرد (۴) و چهار رنگ فرعی: بنفش (۵)، قهوه ای (۶)، خاکستری (۷) و سیاه (۸).

پس از این که رنگ ها به ترتیب علاقه، از سوی شخص مورد آزمایش، انتخاب شد، رنگ ها به چهار دسته تقسیم و به صورت زوج رنگ مورد تحلیل قرار می گیرد. اصل مهم در این نظریه این است که معنای زوج رنگ ها برای شناخت هر فرد مورد

نظر است. با مشاهده ی طرز قرار گرفتن کارت های رنگی، می توان تعیین کرد که یک رنگ خاص نشانه ی چه نوع کارکردی است. شروع ردیف، منطقه ی علاقه است و انتخاب رنگ های این وضعیت بر اساس ترجیح و اولویت بسیار زیاد صورت می گیرد.

رنگ های این منطقه با علامت به علاوه (+) مشخص می شوند. پس از آن، وضعیت دوم است که منطقه ی عادی محسوب می شود، دو رنگ موجود در این وضعیت با علامت ضربدر (x) مشخص می شوند. منطقه ی

سوم جایگاه بی تفاوتی است و علامت این گروه مساوی (=) می باشد، منطقه ی چهارم حکایت از انزجار یا بی میلی شخص به آن انتخاب دارد و با علامت منها (-) مشخص می شود.

۳- تجزیه و تحلیل رنگ ها

۳-۱- سیاه (۷)

رنگ سیاه تیره ترین رنگ هاست که خود را نفی می کند. سیاه نشانه ی مرز مطلق است که در فراسوی آن زندگی متوقف شده، از این رو فکر پوچی و نابودی را می نمایاند. سیاه نقطه ی پایانی، نشانه ی ترک علاقه، تسلیم، یا انصراف نهایی است (لوشر: ۹۷). در مجموعه اشعار شاملو، رنگ سیاه با بیشترین تکرار در رتبه ی اول قرار دارد؛ البته این تعداد با محاسبه ی تداعی کننده های رنگ سیاه، چون: تاریک، ظلمت، تار، تیره، دود، قیر و مرکب، محاسبه شده است. این تعداد در مجموعه اشعار او به حدود ۳۴۵ بار می رسد. سیاه اسم مفهومی است که معنای نمادین دارد، چرا که هم بر خود و هم بر دایره ی وسیعی از معانی ضمنی دلالت می کند، که می تواند جانشین آن شود مانند: ظلم، جهل، استبداد، غفلت و ... (سلاجقه، ۱۳۸۴: ۱۸۶). شاملو این را می داند و از رنگ سیاه و همه ی تداعی گرایش برای همین امر کمک می گیرد؛ زمانی که از رنگ سیاه استفاده می کند، صرفاً به دنبال بیان فام یا همان حقیقت رنگ نیست، بلکه در اکثر موارد از آوردن این رنگ، معانی دیگری را در نظر دارد. نشان دادن سیاهی و خفقان، ظلم، جهل و نادانی، ناامیدی، دشمنی و کینه، بدبختی، تیره روزی و شومی، مفاهیمی است که شاملو برای نشان دادن بی عدالتی جامعه از آن ها استفاده می کند. سیاه در اشعار شاملو در وضعیت اول آزمایش رنگ ها قرار گرفته و به رفتاری جبرانی از نوع افراطی منجر شده است که در اشعارش تقریباً مشهود است. چنان که کسی سیاه را در وضعیت اول انتخاب کند، می خواهد هر چیزی که بیرون از دایره ی اعتراض لجوجانه ی او نسبت به وضع موجود است و از نظر وی آن طور که باید و شاید نیست، نفی کند؛ این شخص در برابر سرنوشت، و یا دست کم در برابر سرنوشت خود، قد علم می کند و در معرض یک رفتار عجولانه و غیر عاقلانه می باشد (لوشر، ۱۳۸۶: ۹۸).

این موضوع در مورد شاملو کاملاً صدق می کند. او به وضع موجود اعتراض دارد (اعتراضی لجوجانه)، فضایی تیره و نا بسامان بر روح او و جامعه اش حاکم است که او را به مبارزه می طلبد. این رنگ نشانه ی روح آشفته و نابسامان شاعر است؛ بیان کننده ی جبران یک اضطراب که شاعر با آن دست و پنجه نرم می کند. او می خواهد اضطراب حاکم بر ذهن و روحش را که ناشی از وضع رقت بار اجتماع یا حتی وضعیت روحی و

درونی خود و زندگی خانوادگی اش است را جبران کند و این موضوع از دیدگاه آزمایش رنگ لوشر امری طبیعی می باشد.

۳-۱-۱- معنی حقیقی و غیر حقیقی رنگ سیاه در شعر شاملو

- در شعر «۲۳» رنگ سیاه در معنی حقیقی خود به کار رفته است، یعنی قاب شکسته ای که سیاه رنگ است، اما باز می توان معنای اعتراض و ناراحتی را در این ترکیب یافت، او می گوید: پشت ظلمت، ظلمت که تداعی کننده ی رنگ سیاه است اما از آن بدبختی و تیره روزی را ارده می کند:

« - هی! / چه کنم های سر به هوای دستان بی تدبیر تقدیر! / پشت میله ها و میله های اشرافیت / پشت سکوت و پشت دارها / پشت افتراها پشت دیوارها / پشت امروز و روز میلاد- با قاب سیاه شکسته اش - / پشت رنج، پشت نه، پشت ظلمت... (شاملو، ۱۳۸۵: ۴۲).

- در شعر «نگاه کن» باز شاملو از رنگ سیاه استفاده می کند، اما در معنای غیرحقیقی. او می گوید زندگی سیاهی نیست. این که برای زندگی رنگ قابل شده مشخص می شود که رنگ در معنای غیر حقیقی و برای نشان دادن رنگ زندگی، یعنی خوبی و بدی آن است. در این جا یعنی، زندگی تیره روزی و بدبختی و ناامیدی نیست:

زندگی با من کینه داشت / من به زندگی لبخند زدم، / خاک با من دشمن بود من بر خاک خفتم / چرا که زندگی سیاهی نیست / چرا که خاک خوب است (شاملو: ۲۱).

شاملو از رنگ سیاه و تداعی گرهایش در معانی غیر حقیقی: تیره روز و بی چاره (رانده: ۹۴)، تیره روزی و بدبختی (همان: ۹۵)، شومی و بدی (دیوارها: ۱۶۰)، یأس و ناامیدی (نگاه کن: ۲۱)، ظلم و تباهی (بر سنگ فرش: ۳۳۰)، روسیاه: گنهکار (برسنگ فرش: ۳۳۰)، سیاه خانه: غربت (هجراتی: ۸۱۶) و ... استفاده کرده است.

در مجموع، در همه ی اشعار شاملو معنای غیر حقیقی رنگ سیاه بر معنای حقیقی آن غلبه می کند و در کمتر شعری، معنای حقیقی رنگ سیاه مورد نظر است؛ حتی جایی که سیاه را در معنای اصلی آن به کار می برد باز از محتوای شعر معنی ضمنی رنگ را می توان دریافت.

۳-۲- قرمز (۳)

قرمز یعنی لزوم به دست آوردن نتایج مورد نظر و کسب کامیابی؛ نشانه ی آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را تحت پوشش خود دارند (لوشر، ۱۳۷۷: ۸۶).

در بررسی اشعار شاملو تعداد فراوانی رنگ قرمز به حدود ۷۹ بار می رسد، که در ردیف رنگ ها آن را در وضعیت دوم، بعد از رنگ سیاه قرار می دهد. علاوه بر رنگ سرخ در اشعار او به تداعی گرهایی از رنگ قرمز نیز برمی خوریم، مانند تداعی گر ارغوانی، مسی، نارنجی، شنگرفی و گلی. کلمه ی خون نیز در مواردی در معنای رنگ قرمز به کار رفته است.

همان طور که گفته شد رنگ قرمز یعنی تلاش برای کسب کامیابی و اراده برای پیروزی و شاملو با فریاد یقین به راهی که انتخاب کرده است و تلاش برای پیروزی، امیدوار به ثمربخشی مبارزات اجتماعی خود است:

من فکر می کنم / هرگز نبوده قلب من این گونه / گرم و سرخ (شاملو ، ۱۳۸۵ : ۳۳۵).

از سروده هایی که رنگ سرخ در آن ها تجلی دارد علاوه بر عشق عمومی و اجتماعی بارقه هایی از عشق شخصی را نیز می توان مشاهده کرد. همان طور که خود شاملو می گوید: «شاعر به هر دو عشق، هم اجتماعی و هم شخصی نیازمند است.» اما به طور معمول عشق شخصی است، که انگیزه ی عشق ورزی به مردم را در او تقویت می کند (سلاجقه: ۱۳۸۴ ، ۱۸۰).

۱-۲-۳- معانی حقیقی و غیر حقیقی رنگ قرمز (سرخ) انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

- در شعر «سرود مردی که خودش را کشته بود» رنگ سرخ در معنای حقیقی رنگ آمده است و شاملو از مردان اصفهان که خون خود را در سرخی گونه ی دختر پادشاه نقاشی کرده اند سخن می گوید:

اکنون این من ام / و شما - مردان اصفهان! - / که خون تان را / در سرخی گونه ی دختر پادشاه / بر پرده قلم کار اتاق ام پاشیده اند (شاملو: ۷۵).

- در شعر (طرح) شاملو از آوردن رنگ سرخ معنای غیر حقیقی آن را اراده می کند. شاعر با آوردن تیغه ی گیوتین بعد از بوسه ی سرخ، تیزی و برندگی تیغه ی گیوتین پس از برخورد با گردن که هم چون بوسه ای است، نمایش داده است. سرخ در این جا در معنای تیز و برنده به کار رفته است:

رقص مهتاب مهرگان زیباست، / با دم اش نیم سرد و سر سنگین / هم چو بر گردن ستبر « کاپه » / بوسه ی سرخ تیغه ی گیوتین! (شاملو: ۱۴۹).

شاملو از رنگ سرخ و تداعی گرهایش در معانی غیر حقیقی: گرما بخشی عشق (ماهی: ۳۳۵)، امید به زندگی (ماهی: ۳۳۵)، نمادی از عشق (زبان دیگر: ۷۸۱)، بدی کینه (در پیچیده به خویش...: ۹۶۹)، تیره گی خون (همان: ۹۶۹)، و ... استفاده کرده است.

در کل، در اشعار شاملو، می توان غلبه ی معانی غیر حقیقی رنگ قرمز « سرخ » را بر معنای حقیقی آن مشاهده کرد.

۳-۳- سبز (۲)

رنگ سبز در آزمایش لوشر نشانه ی وجود شرایط روحی مناسب است. کسی که در آزمون لوشر این رنگ را انتخاب می کند، دارای صفات روحی اراده در انجام کار، پشتکار و استقامت است؛ از این رو، این رنگ بر عزم راسخ، پایداری و مهم تر از همه مقاومت در تغییرات ناظر است. در ضمن از ثبات عقیده و خود آگاهی نیز حکایت دارد و عاملی است که امنیت و احترام به خود را بیشتر می کند (لوشر، ۱۳۸۶: ۸۳). ولی مهم تر از همه این است که شخصی که رنگ سبز را بر می گزیند، مایل است عقاید خود را به کرسی بنشاند و خود را به عنوان نماینده ی اصول اساسی و تغییر ناپذیر معرفی کند. در نتیجه، برای خود مقامی بلند قایل است، و می خواهد که به دیگران پند و اندرزهای اخلاقی دهد و آنان را موعظه کند (لوشر: ۸۴-۸۵).

در بررسی اشعار شاملو، تکرار رنگ سبز به حدود پنجاه بار می رسد که تعداد رنگ های مترادف آن چون: زیتونی، زنگاری (سبز تیره) و فسفری، نیز به همراه آن محاسبه شده است. این تعداد از رنگ سبز، آن را در وضعیت سوم از هشت وضعیت موجود، در آزمایش لوشر قرار داده و شاملو در حالت طبیعی این انتخاب قرار دارد. سبز در اشعار شاملو، همانند رنگ های دیگر، بیشتر در معنای نمادین و برای نشان دادن روح مبارزه طلبی و تغییر وضعیت موجود به کار رفته است. شاملو مبارزان جوانی را که سرود حق طلبی سر داده اند، هم چون سنبله های سبز و نورسیده ای می بیند که در راه عدالت خواهی سرود بر لب دارند و با آن، دروگر را که خواستار نابودی آن هاست تحقیر می کنند.

ای برادران! / این سنبله های سبز / در آستانِ درو سرودی چندان دل انگیز خوانده اند / که دروگر / از حقارت خویش لب به تحسّر گزیده است (شاملو ، ۱۳۸۵ : ۴۶۲).

۳-۳-۱- معانی حقیقی و غیر حقیقی رنگ سبز

- در سروده ی « شعر ناتمام » شاملو از رنگ سبز، در معنای حقیقی خود استفاده کرده است. او در این شعر، از کسی سخن می گوید که با او آفتاب، در واپسین لحظاتِ روزِ یگانه، به ابدیت لبخند می زند، با او یک علف گویی همه ی جنگل است و یک گام راهی است به ابدیت، و باران جویبار خشک را سیراب می کند: **دستان من از نگاه تو سرشار است. / چراغ رهگذری / شب تنبل را از خواب غلیظ سیاه اش / بیدار می کند و باران جویبار خشکیده را / در چمن سبز سفر می دهد (شاملو: ۲۳۶).**

سبز در این جا صفت برای چمن است که در معنای حقیقی خود به کار رفته است.

- در شعر « تا شکوفه ی سرخ یک پیراهن » که شعری است با درونمایه ی اجتماعی، شاملو سعی در نمایاندن فضای خفقان بار اجتماع دارد و فضایی که شاعر، خود را در سروده اش حبس می کند، تا برای مبارزه آماده شود. او خود را زندانی جامعه ای می داند که باید برایش مبارزه کرد و رنج برد. شاعر، هم زمانی دارد که خون خود را فدای مبارزه ی شان می کنند. او دیواری از دوست داشتن تام و فراگیر، به دور خود می کشد، دوست داشتن مردم، حتی دوست داشتن سگ ها و تفنگ ها و خون سبزِ کلروفیل را که بر زخم برگ لگد مال، ریخته شده است (شاملو: ۴۹-۵۶):

دوست داشتن اشک تو بر گونه ی من / و سرور من بر لبخند تو / دوست داشتن شوکه ها / گزنه ها و آویشن وحشی، / و خون سبز کلروفیل، / بر زخم برگ لگد شده (شاملو: ۵۶).

در این جا خون سبزِ کلروفیل می تواند، خونِ مبارزی باشد که از بدنش که چون برگی لگد شده بر خاک افتاده، جاری است. در این قسمت از شعر، شاملو از چندین گیاه نام می برد که همگی تداعی کننده ی رنگ سبز می باشد. از آن جا که رنگ خون در عالم واقع سبز نیست، سبز در معنای غیر حقیقی خود آمده است و معنای حیات و زندگی را می توان از خون سبز برداشت کرد.

شاملو از رنگ سبز و مترادف هایش در معانی غیر حقیقی: نوید و بشارت (غزل آخرین انزوا: ۲۷۵)، حیات و زندگی (غزل بزرگ: ۲۸۰) نیز استفاده کرده است.

۳-۴- زرد (۴)

رنگ زرد در آزمایش لوشر روشن ترین رنگ محسوب، و اثر آن به صورت روشنی و شادمانی ظاهر می شود. زرد نمایان کننده ی توسعه طلبی بلامانع، سهل گرفتن یا تسکین خاطر است. رنگ زرد نشانه ی تسکین و انبساط خاطر؛ هم چنین دارای خصلت تغییر است (لوشر، ۱۳۸۶: ۹۰).

رنگ زرد در اشعار شاملو در وضعیت چهارم از ردیف رنگ ها قرار دارد و از لحاظ فراوانی به حدود ۴۲ بار می رسد. البته این تعداد با تداعی گره های طلایی و زرین محاسبه شده است. این رنگ در اشعار شاملو بیشتر در معنای کدورت، ملال، بیماری و ناامیدی آمده تا جایی که به رنگ زرد خورشید که نمادی از امید است اعتماد نمی کند:

نگر / تا به چشم زرد خورشید اندر، / نظر نکنی / که ت افسون نکند / بر چشم های خود از دست خویش
سایبانی کن نظاره ی آسمان را... (شاملو، ۱۳۸۵: ۶۸۱).

۳-۴-۱- معانی حقیقی و غیر حقیقی رنگ زرد

- در شعر « رکسانا » شاعر از انعکاس نور زردی سخن می گوید که به مخمل سرخ شئل می تابد. زرد در این جا در معنای حقیقی رنگ آمده و صفت برای نور قرار گرفته است:

اما ناگهان / در آشفنگی تیره و روشن بخار و مه بالای قایق / که شب گهواره جنبان اش بود- / و در انعکاس نور زردی / که به مخمل سرخ شئل من می تافت، / چهره ای آشنا / به چشمان ام سایه زد (شاملو: ۲۵۹).

- در شعر « احساس » شاملو از سه دختر که از جلوخان سرای کهنه اش گذشتند و سیب سرخی به سوی وی افکندند، سخن می گوید؛ رخس زرد می شود، اما چیزی نمی گوید. رخان زرد در این شعر در معنای غیر حقیقی رنگ زرد آمده و زرد شدن صورت می تواند کنایه از خجالت کشیدن و یا ترسیدن باشد:

سه دختر از جلوخان سرای کهنه / سیبی سرخ پای ام افکندند / رخان ام زرد شد / اما نگفتم هیچ / فقط آشفته شد یک دم / صدای پای سنگین ام / به روی فرش سخت سنگ (شاملو: ۱۲۸).

شاملو از رنگ زرد و تداعی گرهایش در معانی غیر حقیقی: رنجور و بیمار (کلید: ۳۱۸)، پژمرده (قصه ی دخترای ننه دریا: ۴۰۱)، ناامید و خسته (برای خون و ماتیک: ۲۹) و... استفاده کرده است.

۳-۵- آبی (۱)

رنگ آبی تیره در آزمایش لوشر، نشان دهنده ی آرامش کامل است و اندیشیدن به این رنگ موجب آرامش در اعصاب می شود (لوشر، ۱۳۸۶: ۷۹).

رنگ آبی در اشعار شاملو، با احتساب فراوانی آن در وضعیت پنجم از ردیف رنگ ها قرار دارد. این رنگ در دیوان شاملو حدود ۳۵ بار با محاسبه ی مترادفات آن مانند: کبود، لاجورد، نیل گون و فیروزه گون تکرار شده است. از آن جا که قرار گرفتن رنگ آبی در وضعیت پنجم نشانی از آبی طرد شده، اما صورتی کم رنگ

دارد و کسی که این رنگ را طرد کند در وضعیت هماهنگ، متوازن و عاری از اضطراب قرار ندارد، نتیجه می‌گیریم که شاملو از ثبات، یکپارچگی و احساس امنیتی که لوشر از آن حرف می‌زند برخوردار نیست.

شاملو در اشعار خود رنگ آبی را بیشتر در معنای آرامش آن به کار برده و معنویت و سکون این رنگ مورد توجه او بوده است؛ آن جا که چهره‌ی سرخ و پر شور عشق را آبی می‌بیند و به دنبال آرامش آبی می‌گردد:

آی عشق / آی عشق / چهره‌ی آبی ات پیدا نیست... / غبار تیره‌ی تسکینی / بر حضور و هن / و دنج‌رهایی /
بر گریز حضور، / سیاهی بر آرامش آبی / و سبزه‌ی برگچه، / بر ارغوان... (شاملو، ۱۳۸۵: ۷۳۹).

۳-۵-۱- معانی حقیقی و غیر حقیقی رنگ آبی

شاملو در شعر « ترانه‌ی آبی » چهار بار از رنگ آبی بهره برده است؛ او می‌خواهد رنگ آبی را نماد وطن معرفی کند. رنگ آبی در بند زیر در معنای حقیقی رنگ آمده است:

قیلوله‌ی ناگزیر / در تاق تاقی حوض خانه، / تا سال‌ها بعد آبی را مفهومی از وطن دهد (شاملو: ۷۹۱).

- شاعر در شعر «نمی‌رقصانمت چون دودی آبی رنگ» برای دود که می‌تواند به رنگ سفید یا سیاه باشد، رنگ آبی را به کار برده است. آبی در این جا در معنای غیر حقیقی رنگ است؛ شاید وی از آوردن این رنگ برای دود می‌خواهد سردی و سکوت فضایی را پر رنگ تر توصیف کند:

نمی‌رقصانمت چون دودی آبی رنگ / نمی‌لغزانم ات / بر خواب‌های مخمل اندیشه‌ای ناچیز: -... / دو کودک بر جلوخانِ سرایی، / خفته‌اند اکنون / سه کودک بر سریرِ سنگِ فرشِ سرد / و صد کودک / به خاکِ مرده‌ی مرطوب (شاملو: ۱۳۵).

شاملو از رنگ آبی و مترادف‌هایش در معنای غیر حقیقی: آرامش و امنیت (سرگذشت: ۲۰۶)، آرامش و معنویت (ترانه‌ی آبی: ۷۹۲) بسیار استفاده کرده است.

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

۳-۶- خاکستری (۰)

رنگ خاکستری در آزمایش لوشر رنگی است، آزاد از هر محرک یا گرایش روانی. شخصی که خاکستری را در وضعیت هشتم انتخاب کند، مایل است هر چیزی را در پوشش اراده‌ی خود قرار دهد و احساس می‌کند که از حق کاملی برای شرکت در هر چیزی که پیرامون او روی می‌دهد برخوردار است (لوشر، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵). بنابراین اگر کسی رنگ خاکستری را در وضعیت‌های آخر برگزیند و در واقع آن را طرد کند، آمادگی خود را برای کارهای پر تحرک و اضطراب آور اعلام می‌کند و مایل است که هر مانع احتمالی را که در راه هدف او قرار دارد، از میان بردارد و برای رسیدن به هدف خود آرام و قرار ندارد (لوشر: ۷۷).

رنگ خاکستری در اشعار شاملو ۳ بار و به همراه تداعی گره‌های سربی و خاکستر ۲۲ بار تکرار شده است. این تعداد از تکرار رنگ خاکستری آن را در وضعیت ششم از گروه رنگ‌ها قرار داده است، و تمایل شاملو را برای از بین بردن موانع احتمالی که بر سر راه هدف او قرار دارند، نشان می‌دهد. او هیچ فرصتی را برای رسیدن به اهداف خود و رودررویی با موقعیت‌های اضطراب‌آور از دست نمی‌دهد و برای مبارزه در راه هدفی که همانا رسیدن به عدالت و آزادی و از بین رفتن ظلم و فساد است، آرام و قرار ندارد (لوشر: ۷۶).

شاملو در اشعارش خاکستری را بیشتر در معنای حقیقی آن به کار برده است و آن را صفتی برای هوای گرفته‌ی بعد از غروب آفتاب قرار داده است، آن‌جا که می‌گوید:

گویی به قله‌های ازاکوه، اختران / چون دختران گازر / خاکستری قبای هوا را / - از خون آفتاب بشسته - در نیل می‌زدند (شاملو، ۱۳۸۵: ۴۱۹).

۳-۶-۱- معنای حقیقی و غیر حقیقی رنگ خاکستری

- شاملو در «بخش ۱۲» از شعر «سرود پنجم» عطر هوا را در نزدیکی صبح خاکستری می‌انگارد. او رنگ خاکستری را صفتی برای عطر که امری نا محسوس است تصور می‌کند. خاکستری در معنای حقیقی رنگ است و معنای خود را در کنار عطر حفظ کرده است:

این است عطر خاکستری هوا / که از نزدیکی صبح / سخن می‌گوید، / زمین آبستن روزی دیگر است. / این است زمزمه‌ی سپیده / این است آفتاب / که بر می‌آید (شاملو، ۱۳۸۵: ۴۹۳).

- شاملو در شعر «طرح بارانی» فضای سیاه و سنگین آسمان را نشان می‌دهد و آغاز رعد و برق و رگبار را بر بستر تشنه‌ی خاک توصیف می‌کند. شاعر از خوابی خاکستری سخن می‌گوید که بی‌گاه بر خاک می‌غلند. او برای خواب از رنگ خاکستری استفاده می‌کند و این رنگ را در معنای غیر حقیقی آن به کار می‌برد؛ شاید خاکستری بودن خواب در این‌جا به معنی سبکی و بی‌گاهی آن باشد:

درنگ سنگین ساتور خونین / و نزول لختالخت تاریکی / چون خواب، / چونان لغزش خاکستری خوابی بیگانه بر خاک (شاملو: ۱۰۰۳).

۳-۷- بنفش (۵)

رنگ بنفش، رنگ مستقل و مشخصی به شمار می‌آید. بنفش تلاش می‌کند تا جنبه‌ی تسخیری غیر ارادی رنگ قرمز و تسلیم‌متین رنگ آبی را حفظ کند. این اتحاد بی‌ریا و درجه‌ی بالایی از صمیمیت همراه با

حساسیت است، که به ادغام کامل ذهن و هدف می انجامد، به طوری که هر چیزی که اندیشیده و طلب شده باشد، می بایست، واقعیت یابد (لوشر، ۱۳۸۶: ۹۴).

شخصی که رنگ بنفش را انتخاب می کند، می خواهد به خودش عظمت بدهد. خصلت خوش خیالانه و غیر واقعی این رنگ، می تواند به معنای همانند سازی به مثابه ی یک ناتوانی از لحاظ تفاوت قایل شدن یا یک تزلزل بی تصمیمی باشد که در هر دو صورت می تواند به بی مسؤولیتی منجر شود. زمانی که رنگ بنفش در وضعیت هشتم از ردیف رنگ ها قرار گیرد به این معناست که این رنگ طرد شده است و فرد در این حالت، آرزوی داشتن یک صمیمیت عارفانه را با فرد دیگری رد می کند و این یک حالت سرکوب شده است؛ زیرا در این حالت یا جنبه ی غیر عملی بودن رنگ بنفش آشکار می شود و یا این که شرایط برای فرد کاملاً نامناسب است. این رنگ تنها زمانی از اهمیت برخوردار است که در وضعیت های سوم و هفتم قرار نگرفته باشد (لوشر، ۱۳۸۶: ۹۵).

رنگ بنفش، در اشعار شاملو تنها سه بار آمده و آن را در وضعیت هفتم ردیف رنگ ها، قرار داده است. در آزمایش لوشر این رنگ پس از آزمون ها و خطاهای بسیار به عنوان رنگ مظهر خصایصی انتخاب شده است که فرد عادتاً آن ها را در منطقه ی بی تفاوتی آزمایش قرار می دهد یا رد می کند (لوشر: ۴۳). بنابراین رنگ بنفش در اشعار شاملو از اهمیت چندانی برخوردار نیست، زیرا در وضعیت هفتم قرار دارد. شاملو در استفاده از رنگ بنفش در هر سه مورد به معنای غیر حقیقی رنگ اشاره دارد که در زیر به آن ها اشاره می شود:

۳-۷-۱- معنای غیر حقیقی رنگ بنفش

- در شعر «مرثیه» که سروده ای اجتماعی و سیاسی است، شاعر از مرگ کسی سخن می گوید که پیش از

طلوع بزرگش، خاموش

شد. او از تیرگی رنگ بنفش کمک می گیرد تا غم و اندوه شعر را نمایان تر کند و فضای خفقان و ترس حاکم را نشان دهد. رنگ بنفش در این جا در معنای غیر حقیقی خود به کار رفته است:

«- برادر های یک بطن! / یک آفتاب دیگر را / پیش از طلوع روز بزرگ اش / خاموش کرده اند!... / و از غنچه ی او خورشیدی شکفت / تا طلوع نکرده بخسبد / چرا که ستاره ی بنفشی طالع می شد / از خورشید هزاران غنچه چُنُو (شاملو، ۱۳۸۵: ۳۵).

شاملو از رنگ بنفش و مترادف هایش در معنی غیر حقیقی آن: سردی و تیرگی (غزل بزرگ: ۲۷۷) را اراده کرده است.

رنگ قهوه ای از رنگ های فرعی آزمایش لوشر به حساب می آید. این رنگ مخلوطی از نارنجی، قرمز و سیاه است و یک رنگ تیره و نسبتاً بی روح را به دست می دهد (لوشر، ۱۳۸۶: ۴۳). وضعیت قهوه ای در ردیف رنگ ها حکایت از شرایط حسی بدن انتخاب کننده ی این رنگ دارد. برای مثال، اگر قهوه ای در منطقه ی بی تفاوتی قرار گیرد، یعنی در دو وضعیت آخر، در این صورت وضعیت حسی و شرایط جسمانی در حالت نرمال و طبیعی خود قرار دارد. چنان چه قهوه ای در نیمه ی اول ردیف رنگ ها، خصوصاً در دو وضعیت اول، قرار گیرد، بر نیاز روزافزون به آسایش جسمی و خشنودی حسی دلالت دارد و در مقابل هنگامی که قهوه ای در وضعیت هشتم قرار گیرد، این نیاز به آسایش به کلی رد می شود. در این وضعیت آسایش جسمانی و ارضای حسی به عنوان وضعی تلقی می شود که باید بر آن ها غلبه کرد (لوشر: ۹۶).

شاملو در اشعارش حتی یک بار از این رنگ استفاده نکرده است، بنابراین رنگ قهوه ای در اشعار او وضعیت هشتم یعنی آخرین وضعیت از ردیف رنگ ها را به خود اختصاص می دهد و رنگی طرد شده شمرده می شود. کسی که رنگ قهوه ای را رد می کند خود را فردی تصور می کند که، از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار است و مایل است که به عنوان یک تکرر بدرخشد؛ از نظر چنین شخصی، نه جنبه ی اجتماعی یا وابستگی متقابل رنگ قهوه ای، و نه برآوردن نیازهای جسمانی اش، هیچ کدام اهمیت ندارد (لوشر: ۹۷). بنابراین می توان شاملو را فردی تکرر تصور کرد، که برای نیازهای خود اهمیتی قایل نبوده و فقط به فکر مردم و اجتماع اش بوده است.

۳-۹- گروه بندی و علامت گذاری هشت رنگ:

وقتی که تمام هشت رنگ به ترتیب علاقه ی فرد در یک ردیف قرار گرفت، به صورت دو به دو (زوجی) گروه بندی می شوند. دو رنگ اول گروه با علامت به علاوه (+)، زوج دوم با علامت ضربدر (×)، زوج سوم با علامت مساوی (=) و زوج چهارم با علامت منها (-) تقسیم بندی می شوند (لوشر، ۱۳۸۶: ۴۵). زوج های رنگی شاملو نیز به صورت زیر دسته بندی می شوند:

وضعیت اول: (قرمز سیاه ۳+۷)، وضعیت دوم: (زرد سبز ۴×۲)، وضعیت سوم: (خاکستری آبی ۱=۱)، وضعیت چهارم: (قهوه ای بنفش ۶-۵).

در آزمایش لوشر، آن چه که شخص خواستار آن است معمولاً در وضعیت اول و دوم نشان داده می شود و در مقابل، آن چه که شخص از آن اجتناب می کند، با نوع رویکرد به رنگ مورد نظر، در وضعیت آخر نشان داده

می شود. ترکیب این دو کارکرد مختلف، یعنی کارکرد (+) و کارکرد (-) روشی را به دست می دهد که برای غلبه بر یک منبع اضطراب به کار گرفته می شود و این بدان معنی است که لوشر از اولین و آخرین رنگ انتخاب شده، کارکرد (+) را معرفی می کند و در آن اضطراب آخرین رنگ و جبران آن توسط رنگ اول را توضیح می دهد. از همین رو به کارکرد هایی که در بالا به آن ها اشاره شد گروه پنجمی نیز اضافه می شود به صورت: وضعیت پنجم: (قهوه ای سیاه ۶-۷+).

این وضعیت در آزمایش لوشر « مشکل واقعی » موجود در وضعیت روانی شخص را روشن می کند (لوشر: ۵۹). زمانی که رنگ سیاه در وضعیت اول قرار گیرد، بدون این که یک رنگ اصلی در وضعیت آخر ظاهر شود، آخرین رنگ ردیف را باید یک اضطراب به شمار آورد، حتی وقتی که آن وضعیت، جای عادی برای ظهور آن رنگ باشد (لوشر: ۵۵). انتخاب اول شاملو رنگ کمکی سیاه است، بنابراین در انتخاب او باید انتظار وجود یک رنگ اصلی را در ردیف آخر داشت؛ اما این اتفاق نمی افتد، زیرا شاملو رنگ فرعی دیگری را در جایگاه اصلی خود یعنی آخرین وضعیت انتخاب کرده است. رنگ قهوه ای که در آخرین وضعیت انتخاب شده است، اضطراب پنهان شاملوست که سبب بروز جبران رنگ سیاه، در وضعیت اول شده است و دیدگاه او را براساس آن چه که انتخاب کرده است می توان دیدی منفی نسبت به زندگی دانست. هشتمین رنگ از ردیف رنگ ها همیشه نمایان گر یک نیاز سرکوفته است که ممکن است باعث اضطراب شود یا نشود؛ که این نیاز سرکوفته در شاملو باعث بروز یک اضطراب شدید شده، به نوعی که او رنگ سیاه را برای اولین وضعیت، ترجیح می دهد.

چهار رنگ اصلی نشان دهنده ی احتیاجات اولیه ی روانی انسان است؛ بنابراین در آزمایش لوشر، شخصی که داری سلامت روانی باشد این رنگ ها را در شروع این ردیف یا حداقل در پنج وضعیت اول قرار می دهد و اگر خلاف این باشد، نشانه ای از حضور نارسایی فیزیولوژی یا روانی در شخص است (لوشر: ۵۱). برای هر جفت رنگ یک تفسیر روانشناسی ارائه شده است که شرح دهنده ی خصایص و رفتارهای ناشی از، طرد یک رنگ از گروه رنگی خاص می باشد (لوشر: ۶۴).

در بررسی جفت های رنگ، هر زوج رنگ داری معنای ساختاری خاص خود است، که مستقل از وضعیت آن در ردیف رنگ می باشد. یعنی علاوه بر این که هر دو رنگ معنای خاص دارند، بر اساس کارکرد (+)، (-)، (=) و (x)، هرگروه تفسیر متفاوت دیگری نیز دارند و مظاهر کارکردی گفته شده، طبعاً بر معنای ساختاری هر گروه رنگ تأثیر گذار است که در زیر به آن ها پرداخته می شود. ابتدا معنای ساختاری هر گروه و سپس تفسیر کارکردی آن ها می آید:

۳-۹-۱- زوج رنگ سیاه و قرمز (۷۳)

معنای ساختاری این گروه به صورت آرزوی مبالغه شدن یا سرکشی کردن بروز می کند و عمل متکی بر روحیه ی طغیان و سرکشی تقویت شده، به رفتار بی اختیار و افراطی با هدف ارضای آرزوهای مبالغه شده می انجامد (لوشر: ۱۱۸).

کارکرد (+) همیشه به معنای هدفی است که مورد آرزوی شخص است و فرد آرزوی رسیدن به این اهداف را دارد و در مورد شاملو کارکرد (+) مختص رنگ های سیاه و قرمز است، به صورت $۷+۳$ که معنای روانشناسی آن به صورت زیر است:

شخص از این که تحریکات شدید را سرکوب می کند، در رنج است؛ در حالی که امکان دارد این تحریکات سرکوفته، ناگهان به صورت یک رفتار غیر ارادی و برانگیخته، غلیان نماید (لوشر: ۱۵۸). در مورد شاملو می توان گفت: او فردی است با شخصیتی سرکش، که نمی خواهد و نمی تواند با جهان پیرامونی خود کنار بیاید، از همین روست که می شود رد پای عصیان را در بسیاری از شعرهایش دید. بدین ترتیب شاملو مایل است که سرکشی کند و به هدف های خود برسد، حتی اگر این اهداف مبالغه آمیز باشند.

۳-۹-۲- زوج رنگ سبز و زرد (۲ ۴)

معنای ساختاری این گروه به صورت طلب تمجید و ستایش از دیگران و نیز، بلند پروازی است و آن همراه با افزایش احترام،

از طرف شخص هدایت می شود. عمل خود پسندانه یا نفع شخصی به این منظور در این گروه مورد توجه است، که دیگران او را بشناسند (لوشر: ۱۰۹).

کارکرد این گروه (x) است و به این معناست که رفتار شخص هرچه باشد، رفتار واقعی اوست و نشانه ی وضع موجود است:

شخص، در پی آن است تا موقعیت خود را بالا ببرد؛ او از شرایط موجود راضی نیست و عقیده دارد که برای حفظ عزت نفس خود

به مقداری پیشرفت نیازمند است (لوشر: ۶۴) و این چیزی است که تا آخرین لحظه های زندگی شاملو وجود داشته است. او در تمامی حوزه های هنری و تحقیقات فرهنگی - ادبی، عزت مندانه و با تلاش فراوان به فعالیت

هایش ادامه داد؛ حتی زمانی که در دهه ی آخر زندگی اش بر اثر بیماری، از فعالیت های علمی منع شده بود، به دور از سفارش پزشکان، سرسختانه به اتمام کارهای نیمه تمامش مبادرت می ورزید.

۳-۹-۳- زوج رنگ آبی و خاکستری (۰ ۱)

معنای ساختاری گروه آبی و خاکستری که در وضعیت سوم قرار گرفته اند به شرح زیر است:

این گروه خواستار «وقفه ای در آرامش» یا یک دوره تجدید قوا است، و به دلیل این که باید در برابر فشارهای روانی حاصل از رنگ هایی که پس از خاکستری تحمیل می شوند از خود دفاع کند، باید بتواند شرایط آرامی را پدید آورد (لوشر: ۱۰۴). کارکرد این گروه علامت (=) می باشد و این کارکرد به معنای صفات بارز تحت محدودیت یا رفتار نامناسب با وضع موجود است. این شخص در کارکرد مساوی دارای خواسته های عاطفی بزرگی است و مایل است در یک رابطه ی نزدیک شرکت کند، که عمق احساسی چندانی نداشته باشد (لوشر: ۱۷۷). این موضوع در مورد شاملو نیز صدق می کند؛ او خواستار آرامش است و آن را در بودن کنار آیدا جستجو می کند، اما صفت عشق، گویی در او صفتی تحت فشار است، و به دلیل مشکلات مردم و جامعه، نمی تواند آن را بروز دهد یا این که آن را در شرایط فعلی رفتاری نامناسب می داند و نمی خواهد به جای پرداختن به مشکلات و دردهای مردم و سرودن اشعار روشن کننده و اجتماعی به آرامش خود و سرودن اشعار عاشقانه بپردازد. به همین دلیل تعداد اشعار عاشقانه ی او بسیار کمتر از سروده های اجتماعی و مردمی اش است. درگیری عاطفی او را می توان از اشعارش که ناشی از تأثرات اجتماعی است به وضوح مشاهده کرد. در شعر او کمتر از عاطفه و عشق فردی و بیشتر از «عشق عمومی» سخن رفته است و این می تواند دلیلی بر این ادعا باشد.

۳-۹-۴- زوج رنگ بنفش و قهوه ای (۶ ۵)

در وضعیت چهارم معنای ساختاری به صورت لذت و شهوت یا التذاذ، خودنمایی می کند و در حالت شیفتگی، شخص ناگزیر است با چیزهایی سرو کار داشته باشد که بدن از آن ها لذت می برد، نظیر: غذای خوب، محیط اشرافی، لباس زیبا و نظایر آن (لوشر: ۱۱۵).

کارکرد این گروه علامت (-) می باشد و به معنای صفات بارز طرد شده یا سرکوفته و یا صفات بارز مملو از اضطراب است. در این گروه شخص خواستار همسری است که به اتفاق یک دیگر بتوانند در یک فضای صمیمی و بی غل و غش شریک شوند، ولی چون اجباراً ناگزیر به نشان دادن فردیت خود است، وضعیت مزبور موجب نفاق میان او و همسرش می شود. با وجود ضرورت لذت بردن از آرزوهای طبیعی خویش، نوعی محدودیت را بر خواسته های خود تحمیل می کند. زیرا گمان می کند که با این کار برتری خود را نشان خواهد داد و از

دیگران متمایز خواهد شد. این شخص فهمیده و قاطع، و خصوصاً از حسن سلیقه و حس تشخیص برخوردار است. این صفات همراه با تمایل او به شکل دادن عقایدش، موجب می شود تا هر چیز را طبق دلخواه خود داوری کند و عقایدش را با قاطعیت بیان کند. او از چیزهای اصیل، هنرمندانه و ظریف لذت می برد و تلاش می کند، باب دوستی را با کسانی بگشاید که سلیقه ای مشابه او دارند و می توانند در گشایش فکری، وی را یاری کنند؛ این شخص نیازمند تعریف دیگران است و این که از او تمجید کنند و به او احترام بگذارند (لوشر: ۲۲۸). در مورد شاملو می توان چنین نظر داد: آن جا که زندگی خانوادگی او در دو دوره با مشکل مواجه می شود، شاید نتیجه ی طرد صفت عشق و وجود اضطراب ناشی از آن باشد. او با این که خواستار زندگی بی غل و غش است، اما این اضطراب موجب بروز مشکلاتی در زندگی شخصی او و در نتیجه جدایی شده است. در این گروه، هم چنین می توان ویژگی دیگر شاملو را که عبارت از طرد زندگی مرفه و بی دغدغه و کناره گیری از شغل پردرآمد است، مشاهده کرد. او زمانی که از فقر مالی رنج می برد، مایل نیست شغل پردرآمدی اختیار کند؛ تا به کارهای ادبی - هنری اش لطمه ای وارد نشود. می توان نتیجه گرفت که او با نپذیرفتن زندگی مرفه خواستار تمایز و تفاوت میان خود با دیگران است. از دیگر ویژگی های او در این گروه می توان به قاطعیت و توانایی کافی وی برای ابراز عقاید و نظرهایش اشاره کرد. با این که شاملو از سواد آکادمیک برخوردار نیست، مطالعه ی زیاد و همه جانبه اش، موجب داشتن دیدگاهی وسیع و دقیق نسبت به جهان و مسایل پیرامونش شده است و همین امر به او کمک می کند تا بتواند با قاطعیت در مورد مسایل مختلف نظر دهد یا داوری کند؛ آن جا که او در مورد اشکالات و نواقص اشعار فردوسی، بوستان سعدی، مثنوی مولانا و موسیقی سنتی ایران سخن می گوید، می توان به این موضوع پی برد. شاملو با این کار هم می تواند مورد تعریف و تمجید قرار گیرد و هم فردی متفاوت و متمایز از دیگران شناخته شود.

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

۳-۹-۵- زوج رنگ سیاه و قهوه ای (۶ ۷)

این زوج رنگ که در کارکرد ۶-۷ + بررسی می شوند، نشان از مشکلی دارند که شخص با آن رو به رو است، در این گروه شخص نیاز به جلب احترام دیگران به صورت یک الزام دارد؛ او نیاز به ایفای یک نقش برجسته و کسب نام و شهرت را برای خود به صورت امری اجباری می داند. واکنش این شخص به صورتی ظاهر می شود که اصرار دارد در کانون توجه قرار داشته باشد و حاضر به ایفای یک نقش غیر برجسته یا جزئی نیست (لوشر: ۲۶۹).

آن چه از این کارکرد می توان نتیجه گرفت این است که شاملو با انتخاب این دو رنگ در اول و آخر ردیف رنگ ها که نشان دهنده ی اضطراب و جبران هستند، وضعیت و مشکل واقعی خود را نشان داده است؛ هرچند این مشکل، چندان جدی نیست. چنان که از اشعار شاملو بر می آید، او خواهان جامعه ای عدالت محور است که ظلم و سیاهی در آن نقشی ندارد. مردم را به مبارزه علیه فساد و تباهی دستگاه حاکم فرا می خواند و خود را پرچم دار این مبارزه می داند؛ او سعی در اصلاح جامعه و حاکمان آن را دارد و خود را در این مورد مسؤول می داند.

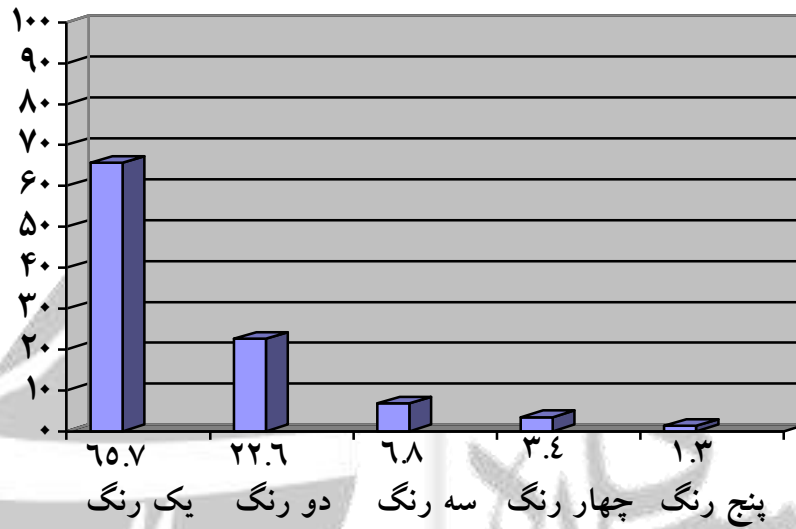
بنا به آن چه گفته شد و آن چه که در دیوان شاملو یافت می شود، می توان تلاش شاملو را برای آگاه ساختن مردم و به مبارزه فرا خواندن آن ها یا تلاش او برای سرودن شعرهای روشن گر و اجتماعی در قالب شعر مثنوی (سپید) و هم چنین حضور او در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نتیجه ی یک اجبار یا الزام درونی برای ایفای یک نقش برجسته و کسب نام دانست تا از این راه، اضطراب موجود را جبران کند.

نتیجه گیری

نشتمین همایش ملی پژوهش های ادبی

رنگ های استفاده شده در دیوان شاملو به ترتیب عبارتند از: سفید، قرمز، آبی، زرد، سبز، بنفش، کبود، لاجوردی، فیروزه ای، نیلی، طلایی، زرین، فسفری، زیتونی، زنگاری، ارغوانی، نارنجی، مسی، شنگرفی، خاکستری و سیاه. از میان ۴۱۴ شعر (۱۰۰ درصد) دیوان شاملو، در ۱۴۶ شعر (۳۵/۲۶ درصد) از عنصر رنگ استفاده شده است و از میان ۱۴۶ شعر (۱۰۰ درصد) در ۹۶ شعر (۶۵/۷ درصد) از یک رنگ، در ۳۳ شعر (۲۲/۶ درصد)، از دو رنگ، در ۱۰ شعر (۸/۶ درصد)، از سه رنگ، در ۵ شعر (۳/۴ درصد)، از چهار رنگ و در ۲ شعر (۳/۱ درصد)، از پنج رنگ استفاده شده است.

نمودار درصدی استفاده از رنگ ها در اشعار شاملو



تعداد کل رنگ های به کار رفته در مجموعه اشعار شاملو به حدود ۶۰۲ بار می رسد. هر رنگ به همراه تعدادی گرهایش محاسبه شده است. از این میان رنگ سیاه با تعدادی کننده های خود، با فراوانی ۳۴۵ بار در ردیف اول قرار دارد. دومین رنگ از این ردیف رنگ قرمز است که به همراه رنگ های مترادفش ۷۹ بار آمده است. رنگ های دیگر به ترتیب فراوانی: رنگ سبز با ۵۰ بار تکرار، رنگ زرد ۴۲ بار، رنگ آبی ۳۵ بار، رنگ خاکستری ۲۲ بار و رنگ بنفش ۳ بار آمده اند. در زیر نمودار فراوانی رنگ ها و درصد آن ها آمده است.

نشمین همایش ملی پژوهش های ادبی

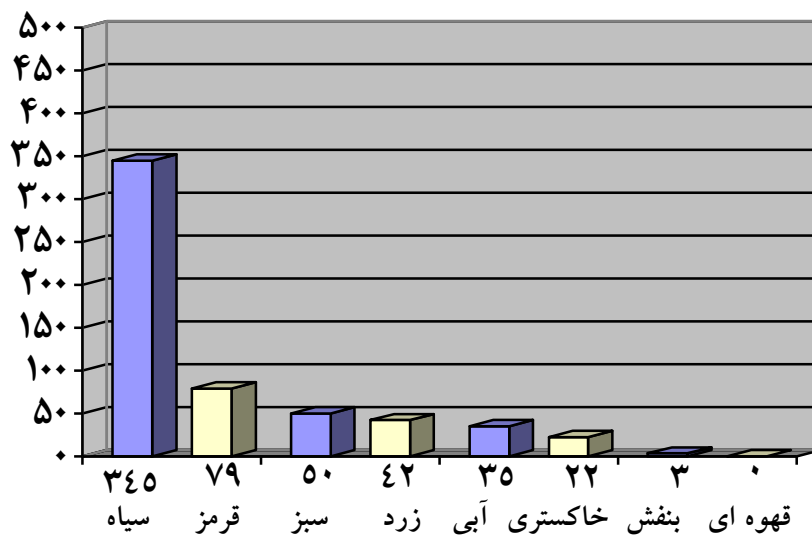
۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

جدول فراوانی رنگ ها و درصد هر یک در اشعار شاملو

رنگ	سیاه	قرمز	سبز	زرد	آبی	خاکستری	بنفش	قهوه ای
بسامد	۳۴۵	۷۹	۵۰	۴۲	۳۵	۲۲	۳	۰

درصد	۵۷/۳	۱۳/۱	۸/۳	۶/۹	۵/۸	۳/۶	۰/۴۹	۰
------	------	------	-----	-----	-----	-----	------	---

نمودار فراوانی هشت رنگِ مورد آزمایش در اشعار شاملو



شاملو، رنگ سیاه را انتخاب اول خود قرار داده و انتخاب رنگ اول گویای هنجارها و نا هنجارهای ذهن شاعر است. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که روح او پر از اضطراب و نگرانی است. او با رنگ سیاه اعتراض خود را اعلام می کند؛ و این که چقدر در تلاش است تا سرنوشت را تغییر دهد. او با انتخاب رنگ قرمز پس از رنگ سیاه علاقه به فعالیت و شوق و اشتیاق خود را برای رسیدن به هدف نشان می دهد و می توان گفت که قرمز رنگ روح شاعر است.

با تحلیل اشعار شاملو براساس نظریه ی روانشناسی رنگ ماکس لوشر نتایج زیر حاصل شد:

آرمان و آرزوی شاملو تحققِ جامعه ای آرام، به دور از ظلم و فساد و همراه با عدالت است و برای همین امر نیز تلاش می کند. او تحریکات شدیدی را که از جانب اطرافیان بر او وارد می شود، در درون خویش سرکوب می کند؛ شاید دلیل این که وی در زندگی خانوادگی اش نیز چندان موفق نبوده است وجود همین اضطراب و سرکوب خواسته هایش باشد. با این حال در تلاش است تا نظر دیگران را به خود جلب کند. شاملو اشعاری می سراید که از طرف مردم و جامعه اش خواهان داشته باشد. او درد دل و نیازهای آن ها را می

سراید. وی می کوشد تا موقعیت خود را بالا ببرد، تسلیم شرایط موجود نشود و پله های پیشرفت را به سرعت در نوردد، تا عزت نفس خود را حفظ کند. او خواستار توجه بیشتر، از طرف همسرش است و به حمایت او نیاز دارد. البته خواستار رابطه ای است که احساسات کمتر در آن دخیل باشد. او آرزوی لذت بردن از خواسته های طبیعی خود را دارد، اما برای این خواسته ها، محدودیت ایجاد می نماید و خود را از آن ها محروم می کند و با این کار سعی دارد تا با دیگران متفاوت باشد. شاملو خواستار رابطه با کسانی است که در گشایش فکری یاری اش کنند و او را به علت اعمال و افکارش مورد حمایت و تشویق قرار دهند. بر اساس آزمایش لوشر مشکل واقعی شاملو را می توان نیازش برای جلب احترام دیگران دانست و این که او اصرار دارد تا در کانون توجه قرار گیرد.

بسامد رنگ سیاه و صفات یادآور آن در مجموعه اشعار شاملو چشم گیر است. انتخاب رنگ سیاه فریاد بلند اعتراض اوست و گستره ی وسیع کاربرد آن، در سیر اشعارش حکایت از شخصیتی همواره نا آرام و ناراضی دارد؛ فضای اجتماعی و سیاسی اشعار او و رویکرد همه جانبه ی شاملو به توصیف دردهای اجتماع و همچنین مقاصد سیاسی اش بر این مدعا می افزاید. بعد از سیاه که شاملو علاقه ی چندانی به آن ندارد، رنگ قرمز بسیار قوی ظاهر می شود و نشان از توجه شاعر به این رنگ دارد و اراده ی قوی او را برای تغییر و تحول نشان می دهد و آبی طرد شده در اشعار او نیز حکایت از یک نیاز ارضا نشده ی کامیابی عاطفی و ترجیح سبز به عنوان یک وضعیت جبرانی دارد و صفت پشتکار رنگ سبز می تواند متضمن خواسته های غرور آمیز و طغیان گر او برای استقلال باشد.

نهمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

پیوست ها

۱- جدول تعداد رنگ سیاه و تداعی گرهایش در اشعار شاملو

نام شعر و صفحه	سیاه	تاریک	ظلمت	تیره	تار	دود	قیر	مرکب	شبق
مرغ دریا	۲	۱	۲	۲					

									۲۳
						۲		۳	برای خون و ... ۲۸
						۱		۱	بدن لخت خیابان ۳۹
		۱						۲	تا شکوفه.. ۴۹
					۱				سرود بزرگ ۷۷
			۱						بهار خاموش ۸۷
					۱	۲		۱	بازگشت نهمین همایش ملی پژوهش های ادبی ۹۰
								۱	رانده ۹۴
			۱						دیدار واپسین ۱۰۲
								۱	شعر ناتمام ۱۰۳

انجمن علمی زبان ادب فارسی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

							۱		سفر ۱۰۷
			۱				۱		از زخم قلب... ۱۱۶
							۲		تردید ۱۲۶
									خفاش شب ۱۳۰
						۱	۱		مرگ نازلی ۱۳۳
									نمی رقصانمت ۱۳۵
									ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی شعری که ... ۱۴۰
									در رزم زندگی ۱۵۰
								۲	مرد مجسمه ۱۵۲

انجمن علمی زبان ادب فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

						۳			لعنت ۱۵۵
						۱		۱	دیوارها ۱۵۷
						۲			کبود ۱۶۳
		۱			۱	۲	۲	۲	مرغ باران ۱۶۶
								۱	شبانہ ۴ ۱۷۴
						۱	۳	۲	شبانہ ۱۷۸
								۱	راز ۱۸۸
								۵	ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی بارون ۱۸۹
			۱	۱				۲	پریا ۱۹۵
					۱				سرگذشت ۲۰۵
								۱	نگاه کن ۲۰۹

انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

						۱		عشق عمومی ۲۱۳
						۱		تورا دوست... ۲۱۸
						۱		دیگر تنها نیستم ۲۱۹
						۴		سرچشمه ۲۲۱
						۱		به تو بگویم ۲۲۷
						۱		از عموهایت ۲۳۲
							۱	شعر ناتمام ۲۳۵
						۱		برای شما که... ۲۳۹
						۱	۵	سمفونی تاریک ۲۴۲

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱



							۵	آواز شبانه ۲۴۴ ...
							۱	با سماجت... ۲۵۰
			۱	۲	۲		۲	رکسانا ۲۵۴
					۱	۱		غزل آخرین... ۲۶۸
			۱				۳ ۳	غزل بزرگ ۲۷۶
							۱	حرف آخر ۲۸۷
							۳ ۲	چشم‌ان تاریک ۲۹۳
							۴	سرود مردی... ۲۹۶
						۳	۱ ۲	از مرز انزوا

انجمن علمی زبان ادب فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

								۳۰۱
					۱			پشت دیوار ۳۰۸
			۱		۱			مثل این است ۳۱۴
							۱	کلید ۳۱۷
					۵	۱		شب گیر ۳۲۲
			۲				۲	در دور دست ۳۲۷
					۱	۱	۳	بر سنگ فرش ۳۲۹
							۲	کیفر ۳۳۳
								کاج ۳۳۸
			۱					پل الله وردی... ۳۴۱
								طرح ۳۴۶

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

نهمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

						۲			دو شبج ۳۵۰
				۲	۱		۱		شبانه ۳۵۹
								۱	نیم شب ۳۶۳
								۱	باران ۳۶۹
								۱	دادخواست ۳۷۵
						۲	۳	۱	از شهر سرد ۳۸۲
						۱		۱	با هم سفر ۳۸۵
								۱	ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی باغ آینه ۳۸۸
								۷	دخترای ننه ۳۹۹ ...
				۱					سرود ۴۱۱
				۱				۱	گریزان ۴۱۶

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

						۱		۱	سخنی نیست ۴۲۵
								۲	انگیزه های... ۴۳۲
						۱			آن که دانست ۴۳۵
								۱	من مرگ را ۴۳۸
						۱		۱	وصل ۴۴۰
								۱	شبانه ۴۴۶
								۱	من و تودرخت ۴۴۵
								۱	تکرار ۴۶۴
								۴	سرود برای...

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

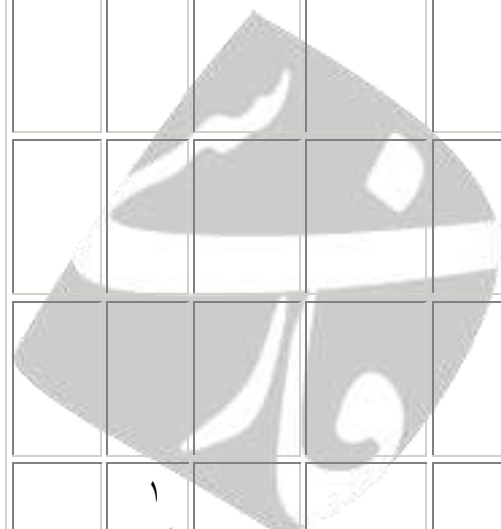
								۴۷۵
					۱	۱	۲	غزل درود و... ۴۸۲
					۱	۱		قصدم آزار...
								۵۰۷
					۲			دریغا انسان ۵۲۶
					۱			شبیانه ۵۴۴
					۱	۶	۱	سرود آن که... ۵۵۰

۲- جدول تعداد رنگ قرمز و مترادف های آن در اشعار شاملو

نام شعر و صفحه	سرخ	قرمز	ارغوانی	شنگرفی	نارنجی	مسی	گلی	خون
برای خون و... ۲۸	۱۲							
مرثیه ۳۴	۱		۲					

۲						۲	بدن لخت خیابان ۳۹
۲			۱		۱	۳	تا شکوفه سرخ یک پیراهن ۴۹
۵						۴	قصیده برای انسان ماه بهمن ۴۹
						۲	سرود مردی... ۷۰
		۱			۱		سفر ۱۰۷ ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی
						۱	احساس ۱۲۸ ۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱
						۱	طرح ۱۴۹
						۱	در رزم زندگی ۱۵۰

							۵	با سماجت یک...۲۵۰
							۴	رکسانا ۲۵۴
							۱	سرود مردی که...۲۹۶
							۱	کلید ۳۱۷
							۲	ماهی ۳۳۵
							۱	دخترای ننه... ۳۹۹
							۱	باری خشم ... ۴۸۳
							۱	دریغا انسان ۵۲۶
							۲	مرگ را دیده ام...۵۳۴
							۱	از مرگ من...

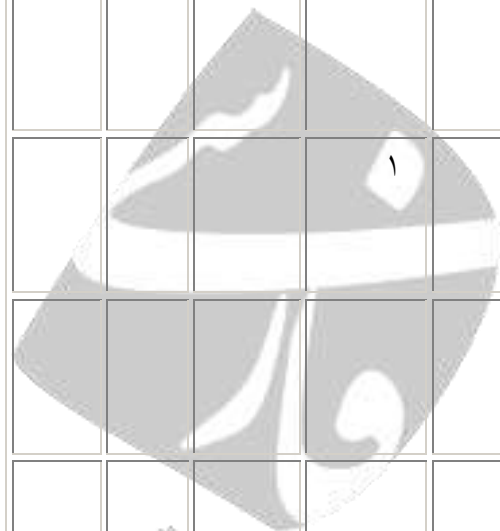


انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

نهمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

								۵۶۴
							۲	شکاف ۵۸۸
							۱	مرگ ناصری ۶۱۲
			۱					در آستانه ۶۸۱
							۱	در نیست راه... ۷۱۱
							۱	بر سرمای درون ۷۳۸
							۱	زبان دیگر ۷۸۱
							۱	شکاف ۷۸۷
							۱	تلخ چون ... ۸۱۱
							۱	غمم مدد نکرد ۹۰۱
							۲	قناری گفت...



انجمن علمی زبان ادبیا فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

							۹۸۲
						۱	یکی کودک... ۹۸۵
						۱	سفر شهود ۹۸۷
						۱	طرحهای ۱۰۰۰
	۱						قصه مردی که... ۱۰۰۵
						۱	شرقاشرق... ۱۰۴۲
						۱	با تخلص ... ۱۰۴۴

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۳- جدول تعداد رنگ سبز و مترادف هایش در اشعار شاملو

زنگاری	فسفری	زیتونی	سبز	نام شعر و صفحه
			۱	مرغ دریا ۲۳
			۲	تا شکوفه ی سرخ یک پیرهن ۴۹

			۱	قصیده برای انسان ماه بهمن ۶۲
			۱	بازگشت ۹۰
			۱	انتظار ۱۲۵
			۱	پریا ۱۹۵
			۱	شعر نا تمام ۲۳۵
			۱	آواز شبانه برای کوچه ها ۲۴۴
		۲		رکسانا ۲۵۴
			۱	غزل آخرین انزوا ۲۶۸
			۳	غزل بزرگ ۲۷۶
			۱	ای خداوند! از درون شب... ۳۴۴
			۲	با هم سفر ۳۸۵

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

			۱	باغ آینه	۳۸۸
			۱	میلاذ	۴۱۴
			۱	من مرگ را	۴۳۸
			۱	خفته گان	۴۶۱
			۲	از مرگ من سخن گفتم	۵۶۴
			۱	شکاف	۵۸۸
			۱	سفر	۵۹۱
			۱	ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی چلچلی	۶۰۳
		۱		من درد بوده ام همه	۶۷۲
			۱	برخاستن	۷۱۶
			۱	تابستان	۷۲۰

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

			۱	تعویذ ۷۲۴
			۱	سرود ابراهیم در آتش ۷۲۶
			۱	ضیافت ۷۵۵
			۱	باران ۷۹۵
			۲	چه هنگام می زیسته ام ۸۰۹
			۱	در لحظه ۸۳۷
			۱	پس آن گاه زمین... ۸۹۱
			۱	یک مایه در دو قدم ۹۴۲
			۱	ای کاش آب بودم... ۹۵۰
			۱	خاطره ۹۷۸
			۱	سفر شهود ۹۸۷

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

			۱	نوروز در زمستان ۱۰۲۰
			۱	شرقاشرق شادیانه ۱۰۴۲

۴- جدول تعداد رنگ زرد و تداعی گرهایش در اشعار شاملو

زیرین	طلایی	زرد	نام شعر و صفحه
		۲	برای خون و ماتیک ۲۸
		۳	سرود بزرگ ۷۷
		۱	احساس ۱۲۶
		۱	پریا نشتمین همایش ملی پژوهش های ادبی ۱۹۵
		۱	دیگر تنها نیستم ۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱ ۲۱۹
		۱	آواز شبانه برای کوچه ها ۲۴۴
		۵	رکسانا ۲۵۴
		۱	چشمان تاریک

			۲۹۳
		۱	کلید ۳۱۷
		۱	قصه ی دخترای ننه دریا ۳۹۹
۱			از مرگ من سخن گفتم ۵۶۴
		۱	سفر ۵۹۳
۲	۱		مجله ی کوچک ۶۲۲
			بی خیالی و بی خبری ۶۴۰
			پاییز ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی ۶۴۳
		۱	در آستانه ۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱ ۶۸۱
۱	۱	۱	ضیافت ۷۵۵
		۲	هنوز در فکر آن کلاغ ام ۷۸۳
		۱	بچه های اعماق

			۸۰۵
		۲	در جدال با خاموشی ۸۷۲
		۱	پس آن گاه زمین ۸۹۱
		۱	خاطره ۹۷۸
	۱		قناری گفت ... ۹۸۲
		۱	بیر ۹۹۸
	۲		طرح های زمستانی ۱۰۰۰
	۱		سراسر روز ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی ۱۰۱۹
	۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱	۱	با تخلص خونین بامداد ۱۰۴۴

۵- جدول تعداد رنگ آبی و مترادف هایش در اشعار شاملو

نام شعر و صفحه	آبی	کبود	لاجورد	نیلگون	فیروزه گون
مرغ دریا		۱			

					۲۳
			۱		برای خون و ماتیک ۲۸
				۱	نمی رقصانمت چون دودی آبی... ۱۳۵
			۶		کبود ۱۶۳
			۱		پریا ۱۹۵
				۱	سرگذشت ۲۰۵
				۱	به تو بگویم ۲۲۷
			۲		رکسانا نشتمین همایش ملی پژوهش های ادبی ۲۵۴
			۱	۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱	غزل بزرگ ۲۷۶
			۳		قصه ی دخترای ننه دریا ۳۹۹
			۱		میلاد ۴۱۴
	۱				سرود آن کس که برفت و

					۵۵۰	...
			۱		لوح	۵۷۸
		۱			پاییز	۶۴۳
				۲	بر سرمای درون	۷۳۸
			۱		از این گونه مردن	۷۴۰
				۱	یله بر نازکای چمن	۷۷۱
				۴	ترانه ی آبی	۷۹۳
			۱		پیغام نشستین همایش ملی پژوهش های ادبی	۸۵۱
					خاطره ۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱	۹۷۸
			۱		قصه ی مردی که لب نداشت	۱۰۰۵

۶- جدول تعداد رنگ خاکستری و مترادف هایش در اشعار شاملو

خاکستر	سرب	خاکستری	نام شعر و
--------	-----	---------	-----------

صفحه	رنگی	
۲۳		برای خون و ماتیک
۳۴		مرثیه
۴۷	۱	تا شکوفه ی سرخ یک پیراهن
۱۳۵	۲	نمی رقصانمت چون دودی آبی... ۱۳۵
۱۷۶	۲	من سرگذشت یاس ام و امید ۱۷۶
۲۲۷		به تو بگویم
۲۳۴		حریق سرد ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی
۲۳۷		پیوند ۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱
۲۳۹	۱	برای شما که عشقتان زندگی است ۲۳۹
۲۴۴	۲	آواز شبانه برای کوچه ها ۲۴۴
	۱	غزل آخرین انزوا

			۲۶۸
۱		چشمان تاریک	۲۹۳
۱		تنها	۳۰۵
۱		باغ آینه	۳۸۸
۱		سرود	۴۱۱
	۱	گریزان	۴۱۶
	۱	این است	
		عطر خاکستری هوا	۴۹۳
	۱	عصر عظمت های غول	
		آسای... ۵۱۷	
	۱	سفر	۵۹۱
		طرح بارانی	۱۰۰۱

بنفش	نام شعر و صفحه
۱	مرثیه ۳۴
۲	غزل بزرگ ۲۷۶



انجمن علمی زبان ادب فارسی



نشست همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

منابع

- آیتن، یوهانسِر؛ هنر رنگ، ترجمه ی عربعلی شروه، تهران: انتشارات یساولی، ۱۳۸۴.
- پوردیلمی، حمیدرضا؛ شناخت عمومی رنگ ها، نشریه ی اسرار، بهمن ماه ۱۳۸۴.
- پورنامداریان، تقی؛ سفر در مه تأملی در شعر احمد شاملو، تهران: انتشارات زمستان، ۱۳۸۱.
- پناهی، مهین؛ روانشناسی رنگ در اشعار نیما، فصل نامه ی پژوهش های ادبی، شماره ی ۱۲-۱۳، ۱۳۸۵.
- سلاجقه، پروین؛ امیر زاده ی کاشی ها نقد شعر معاصر: شاملو، تهران: انتشارات طیف نگار، ۱۳۸۴.
- شاملو، احمد؛ مجموعه ی آثار دفتر یکم: شعر ها، تهران: مؤسسه ی انتشارات نگاه، ۱۳۸۵.
- لوشر، ماکس؛ روانشناسی رنگ، ترجمه ی ویدا ابی زاده، تهران: انتشارات درس، ۱۳۸۶.
- رشیدی، پدram؛ رنگ، دانشنامه ی رشد، ۱۳۸۴.

[http://www . Daneshname . roshd . ir](http://www.Daneshname.roshd.ir)

نشتمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱